چند خط برای «جان‌فدا»

توسل در تشییع میلیونی

ساعت ۸شب بود که دوباره با خانم خدایی تماس گرفتم و گفتم: «چند جای خالی در ماشین ما هست، اگر خواهران شما تمایل دارند می‌توانند با ما بیایند». یکهو زد زیر گریه؛ آرام که شد گفت: «دم غروب که تماس گرفته بودید برای رفتن به مراسم تشییع، خواهرانم متوجه شدند و گفتند ما راضی نیستیم تو تنها بروی. نمی‌دانستم چکار کنم، کم‌کم داشتم منصرف می‌شدم که شما تماس گرفتید، فهمیدم خود شهید طلبیده».

ماشین تقریباً آماده حرکت بود که خانم خدایی و سه خواهرش خود را به ما رساندند. «مجموعه فرهنگی کم وصال» که آنجا مشغول به کار بودیم کار پژوهشی درباره شهدای کرمانشاه را به عهده داشت. حاج آقا باقر آقایی به عنوان مسئول مؤسسه زحمت کشیدند و وسیله رفتن ما به مراسم تشییع سردار را آماده کردند. ۲۷نفر خانم به همراه خود شهید طلبیده».

چند نفر از آقایان به عنوان مسئول از کرمانشاه به سمت تهران به راه افتادیم. با اینکه برای سفر خیلی تدارک ندیده بودیم اما هیچ کس بین راه اعتراضی نکرد؛ نه از سرما، نه از گرسنگی. همه در حال و هوای خودشان بودند، هیچ‌کس به فکر پذیرایی و این حرف‌ها نبود تا جایی که آن شب در اتوبوس شام هم نخوردیم. ساعت ۴صبح بود که به تهران رسیدیم.

از همه استان‌ها آمده بودند. چون صبح زود رسیده بودیم درهای مصلی بسته بود و مجبور شدیم تا ۷صبح پشت درهای بسته سر پا بایستیم. کم‌کم مردم به سمت مصلی می‌آمدند. صدای مداحی از بلندگوها یک لحظه هم قطع نمی‌شد. بعد از مدتی، جمعیت این‌قدر زیاد شد که حتی برای ایستادن هم مشکل داشتیم. وقتی صدای نماز آقا از بلندگو پخش شد مردم دیگر طاقت خود را از دست دادند و با گریه آقا جمعیت یک‌صدا به گریه افتاد. از اینکه در آن لحظه آنجا بودم آرامش عجیبی داشتم؛ فکر می‌کردم اگر نمی‌آمدم، هیچ چیز نمی‌توانست من را آرام کند.

در بین جمعیت متوجه خانم خدایی شدم که به اطراف سر می‌چرخاند. خواهر کوچکش را بین جمعیت گم کرده بود. چون مسئول خواهران بودم شماره همراه همه را داشتم و شماره خودم را هم به تک‌تک خواهران داده بودم اما هرچه تماس می‌گرفتیم فایده‌ای نداشت. در آن انبوه جمعیت هیچ گوشی آنتن نداشت. خانم خدایی خیلی دستپاچه شده بود و بی‌تابی می‌کرد. سعی کردم آرامش کنم، اما بعد از مدتی طاقت نیاورد و زد زیر گریه. وسط هق‌هق گریه گفت: «خدایا! خواهرم امانت بود حالا جواب خانواده را چه بدهم؟» تا اینکه همان جا وسط جمعیت متوسل شد به شهید سلیمانی هنوز چند لحظه‌ای نگذشته بود و من همچنان مشغول شماره گرفتن بودم که سمت راستم دختری را با پرچمی در دست دیدم. خودش بود، خواهر کوچک خانم خدایی! با اینکه در سر سخنرانی‌هایی برایمان پیش آمد، اما این کوچک‌ترین کاری بود که برای سردار از دستمان برمی‌آمد و همین آراممان می‌کرد.

روایت شکوفه شکری نیا از اهالی کرمانشاه برگرفته از کتاب «جمری برای پهلوان»

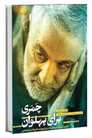

ما من شهید الا و یحب ان یکون مع اهل بیته
یوم القیامة
مع الحسین علیه السلام
حتی یدخلون الجنة معه

در روز قیامت هیچ شهیدی جز این نیست که دوست دارد در محضر امام حسین(علیه‌السلام) باشد و همراه همه شهدا در معیّت حضرتش وارد بهشت گردند.

پدیده «تشییع» حاج قاسم سلیمانی در بستری از آیین‌های اسلامی تشییع شهید قابل تحلیل است و آیین تدفین وی یکی از محوری‌ترین بخش‌های «جهاد تبیین» به مثابه یک نهاد اجتماعی است. شهادت در وهله نخست وجوه و مفهومی ملکوتی و الهیاتی است. وقتی از شهادت به‌مثابه یک یاد می‌کنیم مراد بازتاب ناسوتی آن رویداد است. وقتی از شهادت به‌مثابه یک نهاد اجتماعی یاد می‌کنیم مراد بازتاب ناسوتی آن رویداد و سازوکارهای نظم‌بخشی و همکاری هستند که در میان گروه‌های مختلف انسانی، رفتارهایی را در نکوداشت شهیدان بازتولید و راهبری می‌کنند.

رئیس سازمان هیئت و تشکل‌های دینی:

نگذاریم حاج قاسم فقط اسطوره‌ای برای کتاب‌ها شود

رئیس سازمان هیئت و تشکل‌های دینی ضمن بیان ضرورت پرداختن هیئت‌های مذهبی به سردار سلیمانی گفت: نباید اجازه دهیم حاج قاسم فقط اسطوره‌ای برای کتاب‌ها و همایش‌ها شود.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، همایش دو روزه ستایشگران و شاعران اهل بیت(ع) با عنوان «جان‌فدا» با حضور حجت‌الاسلام مجید بانه‌خانی ، رئیس سازمان هیئت و تشکل‌های دینی و احمد واعظی، رئیس کانون مداحان کشور با موضوع بزرگداشت حاج قاسم سلیمانی و نیز ضرورت جهاد تبیین در هیئت‌ها برگزار شد. حجت‌الاسلام مجید بانه‌خانی در این مراسم گفت: هم‌اکنون سه سال از شهادت حاج قاسم سلیمانی گذشته است، آیا برای انتقال این احساس به نوجوانان و دانش‌آموزان و یا تبیین زندگی حاج قاسم برای آنان کاری کردیم؟ کم‌کم داریم به سمتی می‌رویم که حاج قاسم برای همایش‌ها باقی بماند. در سال‌های نخست، هر فردی از هر صنف‌وگنجی‌غیرمسلمانان کشور به حاج قاسم احساس داشتند. نباید اجازه دهیم حاج قاسم اسطوره‌ای برای کتاب‌ها شود.

رئیس سازمان هیئت و تشکل‌های دینی در پیشبرد به ستایشگران و شاعران در خصوص حاج قاسم سلیمانی گفت: هنر خود را در خدمت انتقال این احساس بیاورید تا حاج قاسم برای همه اقشار مردم حفظ شود. باید تلاش کنیم حاج قاسم توسط تریبون‌های رسمی روایت نشود و آحاد مردم نیز خود را به این مهم بیان کنند. باید مردم با سلایق خود حسنات به حاج قاسم را بیان کنند.

وی گفت: هیئت‌های مذهبی و گروه‌های فرهنگی باید در حد خودشان برای حاج قاسم کاری هرچند کوچک انجام دهند. ایستگاه صلواتی بزنید یا نذری به یاد حاج قاسم دهید. مردم را تشویق و ترغیب کنید به سمت گرامیداشت یاد حاج قاسم بروند زیرا همه ما مرهون اوهستیم. باباخانی در پایان گفت: اگر نتوانیم فرهنگ حاج قاسم را به آیندگان منتقل کنیم حتماً شامل این بیان الهی می‌شویم که «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» یعنی مورد قهر الهی قرار می‌گیریم. محبت حاج قاسم در دل مردم جا گرفت. علاقه به این قهرمان ملی و کسی که جان خود را برای مردم فدا کرد همچنان وجود دارد و شما باید مردم و جوانان را پای این حرکت بیاورید تا به روش و سلیقه خودشان کاری برای حاج قاسم کنند.

■ بالاترین مرتبه روضه شهیدپروری است

حجت‌الاسلام محمد مهدی دیانی، عضو هیئت امنای مؤسسه روایت سیره شهدا، سخنران بعدی این مراسم گفت: روضه امام حسین(ع) بدون مفهوم شهادت، روضه‌ای در انده‌وه و غم است اما شهادت، ظلم‌ستیزی و انتقام‌طلبی را به ارمغان می‌آورد. پرداختن به مفهوم شهادت هدف‌گذاری و حرکت در شنونده ایجاد می‌کرد. این عضو هیئت امنای مؤسسه روایت سیره شهدا اضافه کرد: رهبری در این خصوص می‌فرمودند اگر ما یکی از این شهدا را قبل از انقلاب داشتیم تا درباره‌اش صحبت کنیم، دل‌ها دگرگون می‌شد. ما قبل از انقلاب می‌خواستیم درباره انقلاب، جهاد و... صحبت کنیم تا شور ایجاد شود و برای امام یار جمع شود، از ابوذر و مقداد و... می‌گفتیم. ایشان مثل زدند مانند کاوه و فرمودند: او کسی بود که در قنوت نمازش پشت سر من برای شهادت دعا می‌کرد و من صدایش را می‌شنیدم. او معلم ما شد.

■ شهادت به مثابه یک نهاد اجتماعی

پدیده «تشییع» حاج قاسم سلیمانی در بستری از آیین‌های اسلامی تشییع شهید قابل تحلیل است و آیین تدفین وی یکی از محوری‌ترین بخش‌های «جهاد تبیین» به مثابه یک نهاد اجتماعی است. شهادت در وهله نخست وجوه و مفهومی ملکوتی و الهیاتی است. وقتی از شهادت به‌مثابه یک یاد می‌کنیم مراد بازتاب ناسوتی آن رویداد است. وقتی از شهادت به‌مثابه یک نهاد اجتماعی یاد می‌کنیم مراد بازتاب ناسوتی آن رویداد و سازوکارهای نظم‌بخشی و همکاری هستند که در میان گروه‌های مختلف انسانی، رفتارهایی را در نکوداشت شهیدان بازتولید و راهبری می‌کنند.

شهادت یکی از نخستین مضامین الهیات اسلامی است. شهادت در الهیات مسیحی با مفهوم رنج پیوند دارد. در اسلام اما شهید مفهومی اساساً اجتماعی است و علاوه بر مرگ در راه خدا، آنچنان که از لفظ آن پیداست، بر معنای گواه بودن بر اعمال انسان‌ها در روز قیامت در دنیا آورده شده است. در قرآن آیه‌های متعددی آمده است که خداوند از شهیدان می‌خواهد که بر اعمال مردم در دنیا گواهی دهند. در اسلام اما شهید در نخستین جنگ، تجربه اسلامی شهادت به وسیله آیاتی از قرآن تفسیر و این مفهوم وارد جهان فکر قرآنی مسلمین می‌شود. نخستین آیه در این‌باره، آیه ۱۵۴ سوره بقره است که بر نامرگ بودن شهادت تأکید می‌کند و اینکه شهادت‌گران از مرگ و عادی از ادراک زنده بودن پس از مرگ و چیستی شهادت ناتوان است: «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون».

بعدها الهیات شهادت با آیات متعدد دیگری تکمیل می‌شود و ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در تمام سال‌های پس از نزول این آیات، «شهادت» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی و در میانه زندگی و مرگ، به آیین دو معنا می‌دهد.

یک سال پس از مفهوم‌سازی وحیانی از تجربه شهادت در جریان شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، فرایند تبدیل مفهوم شهادت به نهادی اجتماعی آغاز می‌شود. آیین سوگواری و پوشیدن لباس عزا، لقب سیدالشهدا و تأکید بر احترام اجتماعی به شهید، زیارت مزار شهید و تسبیح ساختن از خاک مزار شهید، بنیان‌های نخستین نهاد شهادت در اسلام را شکل می‌دهد. حالا یک دهه پس از نخستین تجربه اسلامی شهادت، سه سال پس از نخستین جامعه اسلامی و یک سال پس از نخستین تحلیل‌های مادی و عادی از ادراک زنده بودن پس از مرگ و چیستی شهادت ناتوان است: «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون».

بعدها الهیات شهادت با آیات متعدد دیگری تکمیل می‌شود و ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در تمام سال‌های پس از نزول این آیات، «شهادت» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی و در میانه زندگی و مرگ، به آیین دو معنا می‌دهد.

یک سال پس از مفهوم‌سازی وحیانی از تجربه شهادت در جریان شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، فرایند تبدیل مفهوم شهادت به نهادی اجتماعی آغاز می‌شود. آیین سوگواری و پوشیدن لباس عزا، لقب سیدالشهدا و تأکید بر احترام اجتماعی به شهید، زیارت مزار شهید و تسبیح ساختن از خاک مزار شهید، بنیان‌های نخستین نهاد شهادت در اسلام را شکل می‌دهد. حالا یک دهه پس از نخستین تجربه اسلامی شهادت، سه سال پس از نخستین جامعه اسلامی و یک سال پس از نخستین تحلیل‌های مادی و عادی از ادراک زنده بودن پس از مرگ و چیستی شهادت ناتوان است: «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون».

تکمیل می‌شود و ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در تمام سال‌های پس از نزول این آیات، «شهادت» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی و در میانه زندگی و مرگ، به آیین دو معنا می‌دهد.

یک سال پس از مفهوم‌سازی وحیانی از تجربه شهادت در جریان شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، فرایند تبدیل مفهوم شهادت به نهادی اجتماعی آغاز می‌شود. آیین سوگواری و پوشیدن لباس عزا، لقب سیدالشهدا و تأکید بر احترام اجتماعی به شهید، زیارت مزار شهید و تسبیح ساختن از خاک مزار شهید، بنیان‌های نخستین نهاد شهادت در اسلام را شکل می‌دهد. حالا یک دهه پس از نخستین تجربه اسلامی شهادت، سه سال پس از نخستین جامعه اسلامی و یک سال پس از نخستین تحلیل‌های مادی و عادی از ادراک زنده بودن پس از مرگ و چیستی شهادت ناتوان است: «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون».

بعدها الهیات شهادت با آیات متعدد دیگری تکمیل می‌شود و ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در تمام سال‌های پس از نزول این آیات، «شهادت» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی و در میانه زندگی و مرگ، به آیین دو معنا می‌دهد.

یک سال پس از مفهوم‌سازی وحیانی از تجربه شهادت در جریان شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، فرایند تبدیل مفهوم شهادت به نهادی اجتماعی آغاز می‌شود. آیین سوگواری و پوشیدن لباس عزا، لقب سیدالشهدا و تأکید بر احترام اجتماعی به شهید، زیارت مزار

حجت‌الاسلام مجتبی نامخواه، پژوهشگر پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی

روایت شهید شدن و تشییع سردار سلیمانی چگونه می‌تواند زمینه‌ای قدرتمند برای درک و بازتولید نهاد شهادت را فراهم کند؟

تشییع حاج قاسم و بسط روایت شهادت

گزیده

در سال‌های اخیر و در متن و حاشیه ادبیات پایداری، روایت از شهید رشد کمی و کیفی قابل توجهی یافته است. با شهادت حاج قاسم سلیمانی گویی این روایت یک مرحله از بسط و تکامل را تجربه می‌کند. آنچه که روایت یک تجربه و احساس جمعی، از لحظه خبر شهادت تا تشییع شکل می‌گیرد.

«قاسم سلیمانی» با شخصیتی شبه‌اسطوره‌ای و شهادتی تأثیرگذار، به یک تجربه جمعی ایرانیان تبدیل شد. علاوه بر این، او توجه و تحسین انسان‌های بی‌شماری را بیرون از مرزهای ملی و حتی اسلامی برانگیخت. حاج قاسم سلیمانی به مثابه آرکی‌تایپ یا کهن الگوی «انسان انقلاب اسلامی»، کاشف رازها و خالق معانی بی‌شماری بود. متن زیر تلاشی است تا در پرتوی تأملی بر روایت‌هایی از آیین تشییع شهید سلیمانی، اهمیت و نقش نهاد شهادت در تجربه انقلاب اسلامی را مرور کند.

اگر بپذیریم در رویداد تشییع حاج قاسم سلیمانی با یک تجمع برنامه‌ریزی شده مواجه نبودیم؛ اگر بپذیریم برای حاکمیت ها و البته برای جمهوری اسلامی به‌ویژه در شرایط پس از آبان، امکان برانگیختن این میزان از احساسات و بسیج این میزان از جمعیت ممکن نیست؛ اگر بپذیریم تشییع حاج قاسم سلیمانی را به مثابه یک پدیده مورد مطالعه قرار دهیم. درک یک پدیده، مستلزم پرسش از شرایط امکان آن است. برای درک پدیده تشییع باید از شرایط امکان این پدیده بپرسیم و آن گاه از مسیر پاسخ به این پرسش، به معنای آن پدیده راه یابیم. بنابراین مقدم بر پرسش از چیستی تشییع، باید از شرایط امکان پدیده تشییع بپرسیم.

شرایط امکان پدیده تشییع حاج قاسم سلیمانی چیست؟ پیدایی بخشی از پدیده تشییع حاج قاسم سلیمانی به آیین تشییع بازمی‌گردد؛ با اطمینان و با احتمال زیاد می‌توان گفت خیابان‌های تمامی شهرهای ایران در طول ۴۰ سال اخیر شاهد آیین‌های تشییع شهید بوده‌اند. اما تشییع حاج قاسم سلیمانی بدون شک این‌گونه تشییع شهیدان نبود. بنابراین پرسش از شرایط امکان تشییع حاج قاسم سلیمانی بر پدیده تشییع متمرکز است و می‌پرسد تشییع شهید چیست و چه معنایی دارد؟

■ شهادت به مثابه یک نهاد اجتماعی

پدیده «تشییع» حاج قاسم سلیمانی در بستری از آیین‌های اسلامی تشییع شهید قابل تحلیل است و آیین تدفین وی یکی از محوری‌ترین بخش‌های «جهاد تبیین» به مثابه یک نهاد اجتماعی است. شهادت در وهله نخست وجوه و مفهومی ملکوتی و الهیاتی است. وقتی از شهادت به‌مثابه یک یاد می‌کنیم مراد بازتاب ناسوتی آن رویداد است. وقتی از شهادت به‌مثابه یک نهاد اجتماعی یاد می‌کنیم مراد بازتاب ناسوتی آن رویداد و سازوکارهای نظم‌بخشی و همکاری هستند که در میان گروه‌های مختلف انسانی، رفتارهایی را در نکوداشت شهیدان بازتولید و راهبری می‌کنند.

شهادت یکی از نخستین مضامین الهیات اسلامی است. شهادت در الهیات مسیحی با مفهوم رنج پیوند دارد. در اسلام اما شهید مفهومی اساساً اجتماعی است و علاوه بر مرگ در راه خدا، آنچنان که از لفظ آن پیداست، بر معنای گواه بودن بر اعمال انسان‌ها در روز قیامت در دنیا آورده شده است. در قرآن آیه‌های متعددی آمده است که خداوند از شهیدان می‌خواهد که بر اعمال مردم در دنیا گواهی دهند. در اسلام اما شهید در نخستین جنگ، تجربه اسلامی شهادت به وسیله آیاتی از قرآن تفسیر و این مفهوم وارد جهان فکر قرآنی مسلمین می‌شود. نخستین آیه در این‌باره، آیه ۱۵۴ سوره بقره است که بر نامرگ بودن شهادت تأکید می‌کند و اینکه شهادت‌گران از مرگ و عادی از ادراک زنده بودن پس از مرگ و چیستی شهادت ناتوان است: «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون».

بعدها الهیات شهادت با آیات متعدد دیگری تکمیل می‌شود و ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در تمام سال‌های پس از نزول این آیات، «شهادت» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی و در میانه زندگی و مرگ، به آیین دو معنا می‌دهد.

یک سال پس از مفهوم‌سازی وحیانی از تجربه شهادت در جریان شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، فرایند تبدیل مفهوم شهادت به نهادی اجتماعی آغاز می‌شود. آیین سوگواری و پوشیدن لباس عزا، لقب سیدالشهدا و تأکید بر احترام اجتماعی به شهید، زیارت مزار شهید و تسبیح ساختن از خاک مزار شهید، بنیان‌های نخستین نهاد شهادت در اسلام را شکل می‌دهد. حالا یک دهه پس از نخستین تجربه اسلامی شهادت، سه سال پس از نخستین جامعه اسلامی و یک سال پس از نخستین تحلیل‌های مادی و عادی از ادراک زنده بودن پس از مرگ و چیستی شهادت ناتوان است: «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون».

بعدها الهیات شهادت با آیات متعدد دیگری تکمیل می‌شود و ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در تمام سال‌های پس از نزول این آیات، «شهادت» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی و در میانه زندگی و مرگ، به آیین دو معنا می‌دهد.

یک سال پس از مفهوم‌سازی وحیانی از تجربه شهادت در جریان شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، فرایند تبدیل مفهوم شهادت به نهادی اجتماعی آغاز می‌شود. آیین سوگواری و پوشیدن لباس عزا، لقب سیدالشهدا و تأکید بر احترام اجتماعی به شهید، زیارت مزار

■ شهادت سرنمد تشییع انقلاب اسلامی

در تمام تاریخ اسلام و نیز قرن‌های پس از ورود اسلام به ایران، شهادت نقشی مهم و تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی ایفا می‌کند. در تاریخ معاصر با خیزش‌های مستمر سده اخیر، بار دیگر مفهوم شهادت برجسته می‌شود. حرکت‌ها و نهضت‌های مدرنه و پیایی، به شدت به پتانسیل‌های منتهی به انقلاب، از مشروطه تا نهضت جنگل و نهضت ژاندارمری و حرکت مرحوم مصدق و فدائیان اسلام و نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، همه در افق شهادت رهبران و کادرهای اصلی یا افراد مرتبط با آن‌ها پایان می‌یابد. اگر چه شهادت در سطح یک تجربه نخبگانی، از نخستین سال‌های سده حاضر بار دیگر به متن تحولات اجتماعی ایران راه می‌یابد اما در متن تحولات انقلاب اسلامی است که نهاد شهادت بازتولید شده و در کانون تحولات قرار می‌گیرد. نهاد شهادت در جریان رویدادهای ۴۲ سال به بعد آنچنان محوریتی دارد که پیراه نیست بگویم نهضت منتهی به انقلاب اسلامی، بر بستری از نهاد شهادت به پیش می‌رود.

برآمدن نهاد شهادت در جریان انقلاب اسلامی مسیر و منزلگی مشابه تاریخ صدر اسلام را طی می‌کند. از سال‌های آخر سده پیشین تا دو دهه اول سده جاری هجری شمسی، جامعه ایرانی در خلال خیزش‌های گوناگون بر دیگر به شکل برجسته‌ای شهادت را تجربه می‌کند: شیخ فضل‌الله نوری، سید عبدالله بهبهانی، میرزا کوچک خان جنگلی، شیخ محمد خیابانی و بسیاری دیگر به شهادت می‌رسند.

تجربه شهادت سازوکارهای مفهوم‌سازی آن را در اندیشه‌ها و نوشته‌های جریان روشنگری اسلامی می‌انگیزد. هنگامی که از دهه ۳۰ به بعد اندیشه اسلامی بازسازی می‌شود، مفهوم شهادت در متن و بطن آن قرار می‌گیرد. با برآمدن اسلام برجسته می‌شود و شهادت یکی از اصلی‌ترین مفاهیم است. در اثر این بازسازی و بسط مفهومی است که ایده شهادت و در پی آن، شهیدان بسیاری در جامعه برجسته می‌شوند. الهیات شهادت تولید شده در این مقطع می‌تواند شهیدان اسلام را در پیوستاری تاریخی، از سمیه و حجر بن عدی تا «حسن و محبوبه» ترسیم کرده و به مثابه عنصری دگرگون‌ساز و الگویی برای مرگ و آن‌گاه زندگی معرفی کند. این تحرک مفهومی، به برآمدن دوباره نهاد شهادت منجر شد و شهادت به مثابه یک نهاد اجتماعی در نهضت اسلامی نقشی محوری ایفا می‌کند. نهضت منتهی به انقلاب در بستر شهادت گسترده در ۱۵ خرداد ۴۲ به طور رسمی آغاز می‌شود و در یک سال اخیر منتهی به انقلاب به‌وضوح در «چهلم»های شهدا به پیش می‌رود. چهلم، بخش مهمی از مراسم و آیین‌های نهاد شهادت است. آیین‌های نهاد شهادت برخلاف آیین‌های مرگ، تنها بر مقوله سوگ متمرکز نیستند.

آیین‌های سوگواری در نهاد شهادت با تغییراتی معنایی به حرکت‌هایی جنبش‌گونه تبدیل می‌شوند که به کنش‌هایی جمعی در تداوم مسیر شهیددادن می‌زنند. در واقع آیین‌ها و اجزای نهاد شهادت بیش از یک سوگواره، بخش‌هایی از یک جنبش هستند. شهادت تنها در مخالفت با وضع موجود معنا و امکان می‌یابد.

جنبش‌های اجتماعی برای موفقیت و در موقعیت‌های در اوج، نیازمند آن هستند که بخشی از نیروی انسانی خود را فدا کنند. در یک وضعیت جنبشی است که شهادت امکان‌پذیر می‌شود و آیین‌های نهاد شهادت، کانون‌های بسیج اجتماعی برای آن جنبش هستند. این یک تعریف مبتنی بر ترتیب ایده‌آل از آیین‌های نهاد شهادت است. کارکرد آیین‌های نهاد شهادت در تجربه چهلم‌های یک‌سال منتهی به انقلاب، به این نمونه آرمانی بسیار نزدیک می‌شود.

■ دفاع مقدس و بسط نهاد شهادت

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، در غائله‌های ماه‌های نخستین و سپس سال‌های دفاع مقدس، تجربه مکرر شهادت سپس سبب می‌شود نهاد شهادت به شکلی مستمر بازتولید شده و گسترش قابل توجهی پیدا کند.

از نمونه‌هایی که می‌توانند این بسط یافتگی را به‌خوبی نشان دهند «کاروان‌های حضرت زینب(س)» است. آنچه که در جریان تجربه جمعی دفاع مقدس، بخش نهفته زنانه و پنهان امر شهادت که «رساندن خبر شهادت به خانواده شهید» است به یک سازوکار و نهاد قدرتمند اجتماعی تبدیل می‌شود. سازوکاری که خانواده‌های شهید و نزدیکانشان را حول یک مراقبه معنوی و روانی و سوگواری گرد هم می‌آورد.

گسترش تجربه شهادت سبب شده مسئله اهمیت «لطف خبر شهادت» برجسته شود و نهادی برای مراقبت و سوگواری در این لحظه فراهم گشت؛ نهادی که می‌کوشد برای ساده‌تر کردن آن لحظات شهادت و آیین سوگواری مهم‌ترین آیین‌ها را بازتولید کند. بعدها سرمایه اجتماعی شکل گرفته در این نهاد، تبدیل به یک حرکت اجتماعی سیاسی قابل توجه در تجربه زن انقلاب اسلامی می‌شود و جامعه زینب(س) از دل کاروان‌های زینب(س) متولد می‌شود. تشکلی که البته بعدها نوعی از اضمحلال و قلب در محافظه‌کاری حزبی و سیاسی را تجربه می‌کند.

نهاد شهادت و آیین تشییع با وجود همه اهمیت و همه پرتکراری، کمتر روایت شده است. بسیاری از ما تجربه بارها و بارها مشارکت در این آیین را داشته‌ایم بی آنکه روایتی از این تجربه یا احساس داشته باشیم. در سال‌های اخیر و در متن و حاشیه ادبیات پایداری، روایت از شهید رشد کمی و کیفی قابل توجهی یافته است. با شهادت حاج قاسم سلیمانی گویی این روایت یک مرحله از بسط و تکامل را تجربه می‌کند. آنچه که روایت یک تجربه و احساس جمعی، از لحظه خبر شهادت تا تشییع شکل می‌گیرد.

در نخستین جنگ، تجربه اسلامی شهادت به وسیله آیاتی از قرآن تفسیر و این مفهوم وارد جهان فکر قرآنی مسلمین می‌شود. نخستین آیه در این‌باره، آیه ۱۵۴ سوره بقره است که بر نامرگ بودن شهادت تأکید می‌کند و اینکه شهادت‌گران از مرگ و عادی از ادراک زنده بودن پس از مرگ و چیستی شهادت ناتوان است: «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون».

بعدها الهیات شهادت با آیات متعدد دیگری تکمیل می‌شود و ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در تمام سال‌های پس از نزول این آیات، «شهادت» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی و در میانه زندگی و مرگ، به آیین دو معنا می‌دهد.

یک سال پس از مفهوم‌سازی وحیانی از تجربه شهادت در جریان شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، فرایند تبدیل مفهوم شهادت به نهادی اجتماعی آغاز می‌شود. آیین سوگواری و پوشیدن لباس عزا، لقب سیدالشهدا و تأکید بر احترام اجتماعی به شهید، زیارت مزار

■ شهادت سرنمد تشییع انقلاب اسلامی

در تمام تاریخ اسلام و نیز قرن‌های پس از ورود اسلام به ایران، شهادت نقشی مهم و تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی ایفا می‌کند. در تاریخ معاصر با خیزش‌های مستمر سده اخیر، بار دیگر مفهوم شهادت برجسته می‌شود. حرکت‌ها و نهضت‌های مدرنه و پیایی، به شدت به پتانسیل‌های منتهی به انقلاب، از مشروطه تا نهضت جنگل و نهضت ژاندارمری و حرکت مرحوم مصدق و فدائیان اسلام و نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، همه در افق شهادت رهبران و کادرهای اصلی یا افراد مرتبط با آن‌ها پایان می‌یابد. اگر چه شهادت در سطح یک تجربه نخبگانی، از نخستین سال‌های سده حاضر بار دیگر به متن تحولات اجتماعی ایران راه می‌یابد اما در متن تحولات انقلاب اسلامی است که نهاد شهادت بازتولید شده و در کانون تحولات قرار می‌گیرد. نهاد شهادت در جریان رویدادهای ۴۲ سال به بعد آنچنان محوریتی دارد که پیراه نیست بگویم نهضت منتهی به انقلاب اسلامی، بر بستری از نهاد شهادت به پیش می‌رود.

برآمدن نهاد شهادت در جریان انقلاب اسلامی مسیر و منزلگی مشابه تاریخ صدر اسلام را طی می‌کند. از سال‌های آخر سده پیشین تا دو دهه اول سده جاری هجری شمسی، جامعه ایرانی در خلال خیزش‌های گوناگون بر دیگر به شکل برجسته‌ای شهادت را تجربه می‌کند: شیخ فضل‌الله نوری، سید عبدالله بهبهانی، میرزا کوچک خان جنگلی، شیخ محمد خیابانی و بسیاری دیگر به شهادت می‌رسند.

تجربه شهادت سازوکارهای مفهوم‌سازی آن را در اندیشه‌ها و نوشته‌های جریان روشنگری اسلامی می‌انگیزد. هنگامی که از دهه ۳۰ به بعد اندیشه اسلامی بازسازی می‌شود، مفهوم شهادت در متن و بطن آن قرار می‌گیرد. با برآمدن اسلام برجسته می‌شود و شهادت یکی از اصلی‌ترین مفاهیم است. در اثر این بازسازی و بسط مفهومی است که ایده شهادت و در پی آن، شهیدان بسیاری در جامعه برجسته می‌شوند. الهیات شهادت تولید شده در این مقطع می‌تواند شهیدان اسلام را در پیوستاری تاریخی، از سمیه و حجر بن عدی تا «حسن و محبوبه» ترسیم کرده و به مثابه عنصری دگرگون‌ساز و الگویی برای مرگ و آن‌گاه زندگی معرفی کند. این تحرک مفهومی، به برآمدن دوباره نهاد شهادت منجر شد و شهادت به مثابه یک نهاد اجتماعی در نهضت اسلامی نقشی محوری ایفا می‌کند. نهضت منتهی به انقلاب در بستر شهادت گسترده در ۱۵ خرداد ۴۲ به طور رسمی آغاز می‌شود و در یک سال اخیر منتهی به انقلاب به‌وضوح در «چهلم»های شهدا به پیش می‌رود. چهلم، بخش مهمی از مراسم و آیین‌های نهاد شهادت است. آیین‌های نهاد شهادت برخلاف آیین‌های مرگ، تنها بر مقوله سوگ متمرکز نیستند.

آیین‌های سوگواری در نهاد شهادت با تغییراتی معنایی به حرکت‌هایی جنبش‌گونه تبدیل می‌شوند که به کنش‌هایی جمعی در تداوم مسیر شهیددادن می‌زنند. در واقع آیین‌ها و اجزای نهاد شهادت بیش از یک سوگواره، بخش‌هایی از یک جنبش هستند. شهادت تنها در مخالفت با وضع موجود معنا و امکان می‌یابد.

جنبش‌های اجتماعی برای موفقیت و در موقعیت‌های در اوج، نیازمند آن هستند که بخشی از نیروی انسانی خود را فدا کنند. در یک وضعیت جنبشی است که شهادت امکان‌پذیر می‌شود و آیین‌های نهاد شهادت، کانون‌های بسیج اجتماعی برای آن جنبش هستند. این یک تعریف مبتنی بر ترتیب ایده‌آل از آیین‌های نهاد شهادت است. کارکرد آیین‌های نهاد شهادت در تجربه چهلم‌های یک‌سال منتهی به انقلاب، به این نمونه آرمانی بسیار نزدیک می‌شود.

■ دفاع مقدس و بسط نهاد شهادت

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، در غائله‌های ماه‌های نخستین و سپس سال‌های دفاع مقدس، تجربه مکرر شهادت سپس سبب می‌شود نهاد شهادت به شکلی مستمر بازتولید شده و گسترش قابل توجهی پیدا کند.

از نمونه‌هایی که می‌توانند این بسط یافتگی را به‌خوبی نشان دهند «کاروان‌های حضرت زینب(س)» است. آنچه که در جریان تجربه جمعی دفاع مقدس، بخش نهفته زنانه و پنهان امر شهادت که «رساندن خبر شهادت به خانواده شهید» است به یک سازوکار و نهاد قدرتمند اجتماعی تبدیل می‌شود. سازوکاری که خانواده‌های شهید و نزدیکانشان را حول یک مراقبه معنوی و روانی و سوگواری گرد هم می‌آورد.

گسترش تجربه شهادت سبب شده مسئله اهمیت «لطف خبر شهادت» برجسته شود و نهادی برای مراقبت و سوگواری در این لحظه فراهم گشت؛ نهادی که می‌کوشد برای ساده‌تر کردن آن لحظات شهادت و آیین سوگواری مهم‌ترین آیین‌ها را بازتولید کند. بعدها سرمایه ا